

- خوارج و حمزه خارجی
- قیام رافع بن لیث
- زمینه سازی برای جانشینی مأمون پس از خود.

بخش دوم: ایام حکمرانی طاهریان در خراسان

فصل سوم: نگاهی بر پیشینه تاریخی خاندان طاهری

در باب نسب طاهریان مورخان سخنانی متفاوت ابراز داشته اند که از آن جمله سه روایت بیشتر جلب توجه می کند و آن انتساب طاهریان به منوچهر، رستم و قبیله خزاعه است. در این فصل توضیحاتی در مورد موالات و پیوند طاهریان با خزاعه، طاهریان و دهقانان خراسان آورده شده است.

فصل چهارم: طاهربن حسین از حکومت پوشنگ تا فتح بغداد

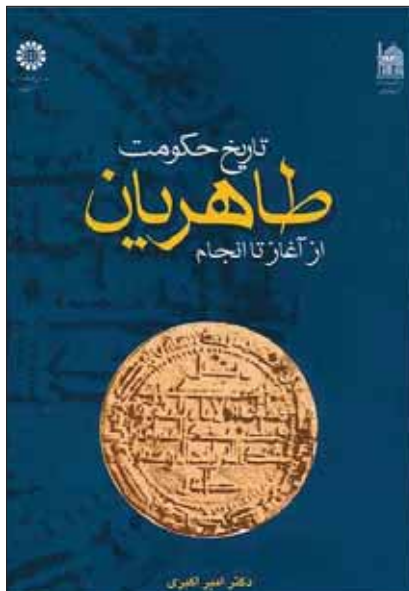
طاهربن حسین در سال ۱۵۹ق در پوشنگ زاده شد، اما شخصیت کامل او در خراسان شکل گرفت و با توجه به توانایی ها و سوابق خانوادگی اش در سال ۱۸۱ق از جانب علی بن عیسی به حکومت پوشنگ منصوب شد.

در اختلافی که میان امین و مأمون در گرفت امین، علی بن عیسی را به فرماندهی سپاه خود برای عزیمت به خراسان انتخاب کرد. در مقابل، مأمون نیز برای مقابله با علی بن عیسی طاهر را برگزید. فضل بن سهل وزیر مأمون در این انتخاب نقش داشت. فضل در انتخاب طاهر به فرماندهی سپاه دو مساله را مد نظر داشت:

- هرثمه فرمانده عرب گرچه سرداری بزرگ بود و می توانست فرمانده سپاه مأمون شود ولی چون خود را بنده هارون می دانست احتمال داشت در جنگ با علی بن عیسی، جانب امین را بگیرد.

- فضل بن سهل با انتخاب طاهر بن حسین به فرماندهی سپاه، قصد داشت همان طوری که دیوانسالاری دستگاه مأمون را خود و دیگر ایرانیان در اختیار داشتند، بخش نظامی را نیز به دست ایرانیان و در واقع به خودش بسپارد و در حقیقت اشتباه خاندان برمکی را که در دوران وزارت از توجه به سپاه و تقویت بنیه خود از این نظر غافل بودند، جبران کند.

در جنگی که در گرفت علی بن عیسی کشته شد و سپاهش از هم گسیخت و پیروزی از آن طاهر شد.



خلاصه کتاب تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام

اکرم علیخانی

معلم تاریخ منطقه ۹ شهر تهران

فصل دوم: حضور خلفای عباسی در خراسان و بروز تحولات بنیادین

عباسیان در دوره هارون الرشید به اوج قدرت و شوکت خود رسیدند. هارون الرشید چون به خلافت رسید به مساله جانشینی بعد از خود بیش از دیگر اسلافش توجه کرد. او در سال ۱۷۵ق محمد بن زبیده، پسر پنج ساله خود را ولیعهد قرار داد و او را به «امین» ملقب ساخت و تا سال ۱۸۳ق سخنی از جانشینی مأمون به میان نیاورد. اما به تدریج که بر لیاقت و درایت مأمون بیشتر آگاهی یافت، در انتخاب خود تردید کرد تا اینکه در سال ۱۸۶ق امارات، عراق، شام و سرزمین مغرب را به امین داد و به او گفت: «تو در بغداد نشین». سپس مأمون را به جانشینی امین قرار داد و از همدان تا انتهای سرزمین های مشرق را به مأمون واگذار کرد و به او نیز گفت: «تو دارالملک به مرو سپار». هارون در دوران خلافتش دو بار به خراسان سفر کرد. یک بار در سال ۱۸۹ق برای رسیدگی به دادخواهی مردم از ظلم علی بن عیسی و بار دیگر در سال ۱۹۲ق برای فرونشاندن آشوب ها و بحران های موجود در خراسان و زمینه سازی برای جانشینی مأمون. مهمترین عواملی که برای حرکت هارون به خراسان می توان در نظر گرفت عبارت بودند از: - اقدامات علی بن عیسی در خراسان

کتاب «تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام» نوشته امیر اکبری توسط سازمان مطالعه و تدوین کتاب های درسی دانشگاه ها منتشر شده است. این کتاب از جمله منابع درسی برای دانشجویان رشته تاریخ و به عنوان بخشی از درس تاریخ تحولات ایران از ورود اسلام تا پایان حکومت علویان طبرستان بوده و شامل سه بخش و چهارده فصل است.

بخش اول: تحولات سیاسی خراسان در قرن اول و دوم هجری

فصل اول: نگاهی بر پیشینه تاریخی خراسان تا پیروزی نهضت عباسی

فشار و ستم والیان اموی بر موالی خراسان در پرداخت جزیه، علاقه گروه هایی از مردم خراسان به اهل بیت (ع) و حمایت آنان از زبید بن علی و یحیی بن زبید سبب شد تا عباسیان با درک گرایش های سیاسی مردم خراسان از آن استفاده کنند و شعار «الرضا من آل محمد» را برای تبلیغ خود برگزینند. این درک درست و همراهی مردم خراسان با عباسیان به فرماندهی ابومسلم خراسانی موجب پیشرفت و موفقیت عباسیان شد.

بخش سوم: اوضاع فرهنگی و تمدنی عصر طاهریان

فصل یازدهم: بررسی ساختار اداری، نظام کشوری و لشکری در عصر طاهریان

وسعت قلمرو حکومت طاهریان در خراسان بزرگ وجود دیوان‌های مختلف را برای اداره حکومت طاهری ضروری می‌کرد. مهمترین تشکیلات اداری طاهریان دیوان مظالم، دیوان رسایل، دیوان برید و دیوان خراج بود. تجربه طاهریان در امور نظامی سبب شده بود تا آنها بعد از به دست گرفتن قدرت در خراسان به تشکیلات سپاه اهمیت خاصی بدهند.

فصل دوازدهم: اقتصاد و تجارت در روزگار طاهری

در روزگار طاهریان کشاورزی همچون بسیاری از دوره‌های تاریخی ایران، اساس حکومت و ستون اقتصادی کشور را تشکیل می‌داد. اکثر مردم خراسان کشاورز بودند و درآمد آنها از زمین بود. وجود کم‌آبی و مشکل آن در زراعت از روزگار کهن ایجاب می‌کرد که به آب و امور مربوط به آبیاری اهمیت و حرمت فراوان داده شود. خراج و میزان دریافت آن از شهرهای خراسان و تجارت از دیگر درآمدهای اقتصادی طاهریان به شمار می‌رفت.

فصل سیزدهم: اوضاع اجتماعی، مذهبی و تحولات فرهنگی خراسان در عصر طاهریان

در این قسمت اوضاع اجتماعی، گروه‌های اجتماعی و نحوه زندگی مردم، پوشاک، خوراک، جشن‌ها و تفریحات در دوران طاهریان مورد بررسی قرار گرفته و سپس اوضاع مذهبی و برخورد طاهریان با علویان و اقلیت‌های مذهبی ذکر شده است. در مبحث تحولات فرهنگی به تفصیل توجه طاهریان به علم و ادب فارسی و ویژگی‌های هنر عصر طاهری توسط نگارنده مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهاردهم: مناسبات طاهریان با دستگاه خلافت و قدرت‌های همجوار

در این فصل به روابط طاهریان با خلفای عباسی، علویان طبرستان، خاندان سامانی، صفاریان و خاندان عجلوی اشاره شده است.

تا نواحی دوردست مشرق به انضمام نظارت بر کار دیوان‌ها که قبلاً برعهده برمکیان بود، اکنون به طاهر سپرده شده بود؛ همچنین مسئولیت جمع خراج سواد عراق که منطقه کشاورزی حاصلخیز و پررونق در مرکز عراق بود. طاهر در مدت اقامتش در بغداد احترام و اعتبار زیادی به دست آورد.

اولین نشانه بروز اختلاف بین مأمون و طاهر را در ماجرای تاسف خوردن مأمون از مرگ برادرش امین دانسته‌اند و این مساله را مهمترین عامل فرستادن طاهر به حکومت خراسان در نظر گرفته‌اند.

فصل هفتم: حکومت طلحه بن طاهر در خراسان

این فصل به بررسی واکنش‌های مرگ طاهر و انتخاب طلحه بن طاهر به حکومت خراسان اختصاص دارد. اقداماتی که طلحه در دوران حکومتش بر خراسان انجام داد در این فصل مورد توجه قرار گرفته است.

فصل هشتم: ایام حکمرانی عبدالله بن طاهر در خراسان

عبدالله بن طاهر برجسته‌ترین شخصیت خاندان طاهری به شمار می‌رود. او در تاریخ اجتماعی ایران اعتبار و جایگاهی والاتر از دیگر اعضای این خاندان دارد. دوران حکومت او را باید اوج و اعتلای حکمرانی طاهریان در خراسان به حساب آورد.

فصل نهم: آخرین حکام طاهری در خراسان

در این فصل به آخرین حکام طاهری خراسان یعنی طاهر بن عبدالله یا طاهر دوم و محمد بن طاهر پرداخته شده است.

فصل دهم: تداوم قدرت نایبان طاهری در خراسان و بغداد

در این فصل تلاش‌های حسین بن طاهر، احمد بن عبدالله خجستانی و رافع بن هرثمه برای بازیابی حکومت طاهریان در خراسان بررسی و اشاره‌ای نیز به بازماندگان خاندان طاهری در بغداد یعنی اسحاق بن ابراهیم، محمد بن عبدالله بن طاهر و عبیدالله عبدالله بن طاهر شده است.

به دنبال این پیروزی مأمون فضل بن سهل را «ذوالریاستین» و طاهر بن حسین را «ذوالیمینین» لقب داد. آن دو نیز با مأمون به خلافت بیعت کردند و او را «امیرالمومنین» خواندند.

پس از آن طاهر مأمور فتح عراق و جنگ با امین گردید و سرانجام توانست بغداد را محاصره و اسباب سقوط آن را فراهم کند.

فصل پنجم: خلافت اسلامی از قتل امین تا عزیمت مأمون به عراق

پس از کشته شدن امین، حضور طاهر در بغداد طولانی نشد و فضل برادرش حسین را به جای طاهر، به حکومت بغداد منصوب کرد. طاهر چندین سال از صحنه سیاست‌های اصلی خلافت دور ماند که این امر اتفاقی نبود. در واقع فضل بن سهل که خود را عامل و گرداننده اصلی خلافت مأمون می‌دید نسبت به طاهر رشک یا کدورتی داشت. عزل طاهر از حکومت بغداد موجب نگرانی مردم بغداد از نفوذ فضل بر مأمون شد که این ناراحتی در شورش‌های بعدی مردم بغداد بر ضد مأمون بی‌تأثیر نبود. هرج و مرج در بغداد و شهرهای مختلف عراق در زمان حکومت حسن بن سهل در بغداد به حد اعلای رسید و انتخاب علی بن موسی الرضاعی به ولیعهدی مأمون، در خراسان، به این بحران و آشوب‌ها در عراق دامن زد. زیرا مأمون فرمان ولیعهدی امام رضاعی و نیز دستور تغییر لباس سیاه را که شعار عباسیان بود به لباس سبز که شعار علویان بود به همه حاکمان خود صادر کرده بود. حسن بن سهل مردم عراق را از این ولایتعهدی آگاه کرد و به سپاهیانش دستور داد بعد از این از لباس سبز به عنوان لباس رسمی استفاده کنند.

فصل ششم: قدرت گرفتن طاهر در خراسان

ورود مأمون به بغداد با مشکل خاصی توأم نبود. او طاهر را به نهروان، آخرین توقفگاهش پیش از ورود به بغداد، فراخوانده بود تا حضور طاهر و سپاهانش بر قدرت و شوکت او بیفزاید. انتخاب طاهر به عنوان رئیس شرطه بغداد تلاشی بود که مأمون برای برقراری امنیت و آرامش کامل در بغداد انجام داد. بدین ترتیب طاهر در مدت یک سال در بغداد صاحب شرطه و مسئول اصلی نظم عمومی این شهر شد. امیری بغداد و فرمانروایی تمام ولایت‌ها از بغداد